

# مثل این که شد

گزارشی درباره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

قسمت دوم (آخر)

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در حالی اعلام موجودیت کرد و به انتخاب اعضای هیأت مدیره‌اش پرداخت که فضا و جو کشور برای تشکیل چنین انجمن‌هایی بسیار مساعد به نظر می‌رسد. از سویی فضای ایجاد شده پس از دوم خرداد و اهتمام دولت بر مشارکت‌های مردمی در کلیه بخش‌ها، از سوی دیگر اقبال عمومی نویسندگان به مسایل صنفی و حقوقی خود پس از سالیان باعث شد که جمعی بالغ بر یکصد نفر در حوزه هنرهای معاصر و در کنار یکدیگر جمع شوند و اعضای هیأت مدیره انجمن و بازرسان را انتخاب کنند.

البته پیش از این تجربه، چندین انجمن و سندیکای نویسندگان نشان می‌دهد که به وجود آمدن چنین تشکل‌هایی با موانعی چند مواجه است.

علی اکبر قاضی‌زاده روزنامه‌نگار و از پیشگامان سندیکای نویسندگان مطبوعات و تعاونی مطبوعات می‌گوید: تاکنون ۲۰ تشکل در باب مطبوعات شکل گرفته است. اولین تشکل بر می‌گردد به حرکت جمعی مطبوعات در باب گرفتاری حسن کاشانی حبل‌المتین که مطبوعاتی‌ها یک صدا به آن اعتراض کردند. اینکه چرا چنین تشکل‌هایی پا نمی‌گیرد دلیلش این است که تشکل‌های صنفی، سیاسی می‌شوند. معمولاً هر چه قدر سطح شعور بالا می‌رود و به اصطلاح جمع روشنفکرتر می‌شوند پذیرفتن حرف یکدیگر برایشان سخت‌تر است.

فکر کنم حدود سال ۵۰ بود که مطبوعاتی‌ها می‌خواستند متنی برای هم‌دردی با زلزله‌زدگان منتشر کنند. وقتی متن را جلوی هر یک از آنان گذاشتند ایرادی گرفت ایرادهای نوشتاری و نظری و دستوری و... یادم هست که «شاهانی» همان موقع گفت اگر مطبوعاتی‌ها بخواهند بیانییه امضا کنند باید به عدد همه مطبوعاتی‌ها بیانییه بنویسیم. یا مثلاً در سال ۷۱ برای اینکه هیأت منصفه مطبوعات که حقیقی قانونی بود تشکیل شود، باور کنید که ما مجبور شدیم چندین متن بنویسیم و تازه پای متن نهایی آمده‌های مختلف چیزی اضافه کردند که: به شرط آنکه فلان شود موافقم. نویسندگان معمولاً صاحب‌نظر هستند، اما سایر اصناف این حساسیت را ندارند و موضع‌گیری‌هایشان پیش پا افتاده است و خیلی راحت می‌پذیرند مشکل دیگر، عمومی‌تر است. ما در مملکت‌مان کار جمعی بر ایمان مشکل است، پذیرفتن شکل جمعی برای ما مشکل است. ما حق داریم که از نشریه خودمان یا از نظر



● فرناز قاضی‌زاده

- ◀ تاکنون ۲۰ تشکل مطبوعاتی در کشور شکل گرفته است.
- ◀ گلشیری: سیاسی بودن انجمن‌های نویسندگان به دلیل بحث آزادی بیان است.
- ◀ بسیاری از کسانی که تاکنون عضو نشده‌اند برای عضویت در انجمن اعلام آمادگی می‌کنند.





خودمان خوشمان بیاید ولی ای کاش نود و نه درصد حق را برای خودمان و حتی یک درصد حق را به سایرین می‌دادیم! مثلاً در تعاونی مطبوعات، بعضی نشریات سینمایی چشم دیدن یکدیگر را نداشتند.

و دیگر اینکه بخش دولتی خیلی وقتها آگاهانه و ناآگاهانه به این شکاف‌ها دامن می‌زند البته شاید اکنون این طور نباشد ولی در طول تاریخ معمولاً یکی از مشکلات خود دولت بوده است.

انجمنهای صنفی می‌توانند در بسیاری موارد برای شاغلین صنف مذکور متمر ثمر باشند. چنین به نظر می‌رسد که در صورت تشکیل چنین انجمنی بسیاری امیدوارند که انجمن بتواند مشکلات نویسندگان کودک و نوجوان را با ناشران حل کند و همچنین بتواند به عنوان یک اتحادیه عمل کند و برای اعضا امکانات رفاهی فراهم کند.

اما درباره انجمن معمولاً تردیدهایی وجود دارد. سیاسی شدن انجمن بزرگترین تردید است، چرا که این‌گونه انجمنهای صنفی در صورت سیاسی شدن و موضعگیری‌های سیاسی نه تنها قادر نخواهند بود که مشکلات صنف مذکور را حل کنند بلکه می‌توانند به مشکلات آنان دامن بزنند، چرا که با وجود اینکه سیاست معمولاً جدا از کار نویسندگان نیست ولی فضای سیاسی می‌تواند برای نویسندگان که برای نوشتن نیاز به آرامش دارند، مشکل‌آفرین باشد.

البته این مشکل تنها مشکل نویسندگان کودک و نوجوان نیست.

«هوشنگ گلشیری» از اعضای اصلی کانون نویسندگان ایران درباره شکل‌های نویسندگان می‌گوید: «مشکل از یک طرف کسانی هستند که نگاهشان صنفی نیست، یعنی هر نهاد مربوط به نویسندگان سیاسی است، سیاسی بودنش هم به دلیل بحث آزادی بیان است.

البته در شرایط کنونی ایجاد این نهادها برای حاکمیت مردم و کنترل از پایین لازم به نظر می‌رسد. نهادهای صنفی می‌توانند مملکت را مثل حزب، روزنامه یا اتحادیه اداره کنند. اینها اگر فارغ از بدهستان یا دولت باشند، می‌توانند قانون اساسی مملکت را بپذیرند و در چهارچوب آن فعالیت کنند اما همه اینها باید مستقل از حاکمیت باشد. حاکمیت هم فقط دولت نیست. مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که جامعه را هدایت می‌کند. علت اینکه ما مشکل داریم این است که همین تعادل را نتوانسته‌ایم ایجاد کنیم.

◀ حسن بیگی: هر تردیدی درباره انجمن بی‌مورد است. ما همدیگر را می‌شناسیم.

◀ امرایی: انجمن فقط به این درد می‌خورد که برای نویسندگان مجلس ترحیم بگذارد.

خواستن کاغذ مثل این است که نان پزها آرد بخواهند. نیازها فقط اینها نیست. نوشتن آزادی هم می‌خواهند. مسئله خلق داستانهای کودک و نوجوان بیشتر توسط گروه خاصی انجام شده و اجازه نداده‌اند که توسط دیگران انجام شود. بر کتاب کودک سانسور بسیار حاکم بوده است. نویسندگانی که کار کرده‌اند برای درصد کمی‌شان مسایل اساسی نویسندگان مهم بوده است. باید قبول کرد که این قدم اول است. باید رشد کنند و گروه‌ها و مؤسسان، وابستگی‌شان را کنار بگذارند، چون معلوم نیست هشت سال دیگر چه دولتی سر کار باشد. دولت بعدی ممکن است رئیس جمهور و وزیر ارشادش خاتمی و مهاجرانی نباشند. ما فکر می‌کنیم کانون نویسندگان به صورت اعم است. بعداً می‌توان شبکه‌های مختلف ایجاد کرد و یا انجمن‌های موجود را یکی کرد و حتی شعبه‌ها می‌توانند به صورت کنفدراسیون عمل کنند.»

در هر حال استقبال نویسندگان کودک و نوجوان از انجمن بسیار چشمگیر بود. اکثر کسانی که از نظر فکری خطوط مختلفی داشتند در زیر یک سقف جمع شده بودند. «پاشاک» مدام در محوطه حوزه و محل تجمع راه می‌رفت و می‌گفت: «مثل اینکه شد!» از «جواد جزینی» پرسیدم: «گفته بودی عضو نشده‌ای پس چطور

نه علاقه‌ای به صحبت کردن راجع به انجمن دارم. و نه حرفی راجع به آن می‌زنم.»

اسدالله شعبانی درباره انجمن می‌گوید: «گردانندگان انجمن گفته‌اند از امکانات و حمایت‌های ویژه دولت در جهت دوام و قوام این تشکل بهره خواهند گرفت، بی‌شک همگامی با دولت فرهنگمدار و مردم‌مدار خاتمی وظیفه همه ماست اما این هماهنگی نباید منجر به وابستگی شود؛ دولتی شدن و یا زیر سایه دولت زیستن در شأن نویسندگان و اندیشه‌وران نیست. نکته دیگر این است که اعضای انجمن و هیئت مؤسس و هیئت مدیره منتخب اعضا، از خواست آرمانی من خیلی دور بود. هیئت مؤسس هیچ تعریفی برای نویسنده نداشته و از کسانی دعوت به عضویت کرده بود که در دایره نویسندگی نمی‌گنجدید بودند اعضای که نویسنده حتی یک کتاب هم نبودند، گروهی مطبوعاتی آن هم از مطبوعات دولتی بودند و در نتیجه جو چنان شده که چنین هیئت مدیره‌ای انتخاب شدند برای من جای شگفتی دارد که کسانی را می‌آورند که پیشتر هم در مصدر امور بوده و در این پهنه طی دو دهه با اعمال نفوذ و کانا لیزه کردن ادبیات کودک در ایران نقش بازدارنده‌ای داشته‌اند البته بی‌انصافی است که آنان را سانسورچی بنامم - چنانکه برخی می‌گویند - چرا که بخشی از کوششهای اداره کتاب وزارت ارشاد اسلامی جلوگیری از ابتذال است و نباید آن را به حساب سانسور گذاشت یا این همه سانسور فکری نه تنها از طریق اداره کتاب ارشاد بلکه از راه جشنواره‌های آنچنانی کتاب با داوری همین کسان و ایجاد منگنه در مراکز فرهنگی و در نهایت ایجاد نوعی خود سانسوری اعمال شده است. بنابراین تصور نمی‌کنم به این زودیا انجمن بتواند کارکشای مشکلات نویسندگان کودک و نوجوان باشد اما در مجموع این حرکت را مفید و مثبت ارزیابی کرده و امیدوارم اعضای صادق هیئت مدیره بتوانند با عملکرد مثبت مانع از آن شوند که چون گذشته ادبیات کودکان این مرز و بوم دست‌آویز و بازیچه کسانی شود که همواره از آب آلوده ماهی گرفته‌اند.»

ابراهیم حسن بیگی نیز از دیگر غایبان جلسه می‌گوید: «بعضی می‌گویند چرا «حسن بیگی» و «سرشار» و «شجاعی» در میان مؤسسين نیستند؟ و از آن تعبیرات سوء می‌کنند اما به نظر من هیچ دلیل خاصی وجود نداشت. تنها دلیلش این بود که ما وقت نداشتیم و از چنین کاری استقبال نکردیم چرا که آن قدر مسؤلیت‌های ما سنگین است که فرصت چنین کاری را



اینجایی؟!» گفت: «دعوتنامه‌ای برایم آمد، که در آن نوشته شده بود تقاضای شما را برای عضویت پذیرفتیم. بعد جلوی تمام مدارک نوشته شده بود: «نداده است.» مقابل تقاضا نیز نوشته بودند: «نداده است.» ولی برای اینکه بی‌ادبی نباشد، آمدم.»

با وجود حضور بسیاری از نویسندگان، جای چهره‌هایی نیز خالی بود. از آن جمله می‌توان به شکوه قاسم‌نیا اشاره کرد، قاسم‌نیا می‌گوید: «دوستان لطف کردند از قدم اول هم به من گفتند که عضو هیئت مؤسس باشم اما من به دلیل گرفتاریهای شخصی خودم و علایق شخصی که ترجیح می‌دادم تنها باشم نپذیرفتم. علتش این است که نمی‌خواهم نظر بدهم. این اعتقاد شخصی من است و اصلاً نمی‌خواهم یک هم رأی پیدا کنم. البته این موضوع برمی‌گردد به ۵-۶ سال اخیر. اوایل این طور نبود، الان برنامه کاری‌ام را محدود کرده‌ام به شخص خودم، دلیلش هم کاملاً شخصی است.»

داوود غفارزادگان نیز از غایبین بود. او گفت: «به دلیل بستری بودن شرکت نکردم، دقیقاً هم نمی‌دانم اساننامه چیست. ولی مطمئناً در آینده عضو خواهم شد.»

اما حمید گروگان قاطعانه گفت: «نه عضو می‌شوم

برآبادی: گرچه ما در یک جامعه به شدت سیاسی زندگی می‌کنیم اما یک نهاد صنفی نباید از اهداف و منافع صنفی دور شود.

شعبانی: اعضای انجمن و هیئت مؤسس و هیئت مدیره منتخب از خواست آرمانی من خیلی دور بود.



نداریم. همین‌که جوان‌ترها و افرادی که وقت دارند پیش‌قدم شده‌اند باید از آنان حمایت کرد.» وی اضافه کرد: «نگرانی من از کانون نویسندگان است. چند سال پیش به شجاعی و فراست پیشنهاد این کار را دادم اما خیلی جدی نگرفتند. حالا روشنفکرها پا پیش گذاشته‌اند. به نظر من وزارت ارشاد باید به آنها مجوز بدهد و نویسندگان مسلمان هم باید بیایند و عضو کانون شوند و نگذارند هدایت آن به دست ضد انقلاب بیفتد. تعداد نویسندگان مسلمان خیلی بیشتر از توده‌ای لایمذهب‌هاست. البته عضو شدن در کانون منوط به این است که نماز نخواندن از شرایط عضویت نباشد! خوشبختانه در ادبیات کودک چنین مشکلاتی وجود ندارد و همه یکدیگر را می‌شناسیم.»

«اسدالله امرایی» (مترجم) از دیگر کسانی است که در جلسه انجمن شرکت نکرد. او گفت: «من نه اساسنامه را خوانده‌ام و نه هیچ نوع اطلاعات دیگری دارم. یک مقدار بی‌توجهی خودم بود که فکر می‌کردم وقت تلف کردن است. یک انجمن خیلی کمک‌ها می‌تواند بکند به شرط آنکه اهم اجرایی داشته باشد که ندارد. نهایتاً چنین انجمنی به درد این می‌خورد که فلان موضوع را تحریر کند یا برای یک نفر مجلس ترحیم بگذارد. آنچه از انجمن در ذهن من است با توجه به آنچه در تاریخ دیده‌ام همین است. فقط در حد زنده باد و مرده‌باد است. یک انجمن موفق باید در مرحله اول توان علمی داشته باشد و در مرحله دوم از توان مالی برخوردار باشد و بتواند در مواقع لزوم از حقوق اعضا دفاع کند. به عنوان مثال اگر ناشری حقوق مولفی را زیرپا بگذارد، حتی اگر خود او اقدام نکرد باید انجمن وارد عمل شود. انجمن باید در مواقع بیکاری، بیماری و از کارافتادگی اعضایش از آنها دفاع کند.»

«محمود برآبادی» از کسانی بود که بی‌سر و صدا به انجمن آمد و عضو شد. او می‌گوید: «تشکیل هر نهاد صنفی در شرایط فعلی جامعه ما امری مفید است. ما در جامعه‌ای به شدت سیاسی زندگی می‌کنیم که نویسندگان آن جامعه نمی‌توانند از این جو سیاسی برکنار باشند، اما یک نهاد صنفی باید از هدف اصلی خودش که دفاع از منافع صنف خاص خودش است دور نماند و این هدف را به سایر اهداف ترجیح دهد. یکی از ویژگیهای این نهاد صنفی، فراگیر بودن آن است. در اینجا با تمامی کسانی که در این صنف فعالیت می‌کنند سر و کار داریم، نه با سطح خاصی از مهارت و دانش آنها و نه با گرایش‌ها و اعتقاداتشان. در یک نهاد صنفی

انگیزه افراد هم همین انگیزه شغلی و صنفی‌شان است. اصولاً ما هنوز با مفهوم فعالیت صنفی در ایران به خصوص در حوزه ادبیات کودک و نوجوان آشنایی نداریم. تصور ما از انجمن نویسندگان کودک و نوجوان این است که باید همه کسانی که در اینجا جمع شده‌اند مثل هم فکر کنند، یا حتی از سطح خاصی از مهارت و تخصص در حوزه فعالیت خودشان برخوردار باشند، در حالی که تعریف تشکل صنفی خیلی واضح و روشن است: جمعی که با گرایش‌ها و سطح دانش متفاوت در حوزه کاری یا هم اشتراک منافع دارند. ما اگر بتوانیم در این انجمن ویژگیهای صنفی را تقویت کنیم و از تنگ نظری و تمایل به گرایش‌ها روز سیاسی پرهیز کنیم. نه تنها می‌توانیم از حقوق و منافع نویسندگان کودک و نوجوان دفاع کنیم بلکه دوام و بقای آن را هم تضمین خواهیم کرد. حتی اگر این انجمن هم دوام نیاورد، انجمن بعدی در زمان دیگری به وجود خواهد آمد. این از ضروریات یک کار صنفی است.»

وی درباره فواید انجمن گفت: «انجمن اگر پا بگیرد در درجه اول محفلی است برای جمع شدن نویسندگان کودک و نوجوان تبادل نظر و انتقال تجربه و همکاری مشترک با هم. در درجه دوم انجمن می‌تواند از حقوق صنفی اعضای خودش با تدوین مقررات و

بخشنامه‌هایی دفاع کند. همچنین می‌تواند در دراز مدت - من در حال حاضر چنین انتظاری ندارم - خدمات رفاهی به اعضای خودش ارائه کند.»

در یک جمع‌بندی متوجه می‌شویم که اکثر نویسندگان کودک و نوجوان وجود انجمنی صنفی را لازم می‌دانند. حتی کسانی که در مجمع عمومی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان شرکت نکرده‌اند و یا به دلایلی آن را ناکارا می‌دانند اطمینان دارند که می‌شود با شیوه‌هایی ویژه انجمن را به سمت موفقیت سوق داد. دوست داشتیم در بخش پایانی این گزارش نظرات فریدون عموزاده خلیلی رئیس هیئت مدیره انجمن را هم نقل کنیم. به جستجوی او به سراغ دفتر نشریه تعطیل شده آفتاب امروز، روزنامه صبح امروز و مرکز تحقیقات استراتژیک رفتیم اما او را نیافتیم. شاید در شماره‌های بعد در گفتگوی مفصلی همه این حرف‌ها را با او در میان بگذاریم. □